

هر انسانی با تمام حقوق و آزادی‌ها متولد میشود

یاران،

روز پنجشنبه ۱۱ سپتامبر متن پیوست در ۳۰ بند به آگاهی همگان رسید. یارانی که اعتلای ملت ایران را قبل از امور خود میبینند چند نکته یاد آور شدند که در متن گنجانده شد و خود اینجانب نیز پس از مطالعه قانون اساسی چند کشور دیگر به مواردی برخورد نمودم که نیاز بود به متن اضافه شود.

قانون اساسی یا نظامنامه ملی هر کشوری دارای چندین بخش است:

- ۱- چارچوب قوانین بشری که مبنای آن حقوق متساوی بین احاد ملت است که اصل و پایه آن از منشور کوروش کبیر شروع و نسخه تکمیلی آن در فرانسه بنام بیانیه جهانی حقوق بشر شناخته شد و سپس، بدنبال تشکیل سازمان ملل به عنوان قانون حقوق بشر شناخته شد استوار میباشد.
- ۲- حقوق قضائی یا دادگستری، جرم و جنحه که موارد رسیدگی به آن بطور یکسان در جهان مورد توجه قرار میگیرد. در مدت بیش از ۲۵۰ سال که از زمان تنظیم قوانین جرحه و جنائی در جهان میگذرد مواردی پیش آمده که هر مورد بنوعی موثر در قوانین کشورها تاثیر گذاشته است و لذا بهره برداری از این قوانین تا حدی متساوی مورد استفاده همه کشورها قرار میگیرد. بطور مثال در کشور انگلستان در ابتدا قوانین نوشته شده ای وجود نداشت و بمرور در هر مورد خاص پس از رسیدگی در دادگاهها بصورت نوشته برای موارد مشابه بعدی مورد استفاده قرار میگیرند؛ که این به نوعی پویندگی قانون را تضمین مینماید.
- ۳- حقوق و قوانین تخصصی و فنی که اغلب این مقررات بصورت یکسان در بیشتر کشورها استفاده میشوند و تقریباً بصورت استاندارد های بین المللی در امور الکتریسته، گاز، آب و فاضلاب و غیره مورد بهره برداری قرار میگیرند. این موارد جزء قانون اساسی نیستند ولی نحوه تنظیم آنها را قانون اساسی نظارت مینماید.
- ۴- قوانین و حقوق تخصصی اقتصادی که لزوماً متأثر از اقتصاد بین المللی است ولی بدلیل نوع سرزمین و استعداد کشت و باروری و میزان آب موجود و حاصلخیزی خاک و منابع و تولیدات کشاورزی و صنعتی میبایست با شرائط اقلیمی و ملی میهنی مطابقت داشته باشد.
- ۵- در مورد دستگاه قضائی دوست ارجمندی اشاره داشت که بطور کلی در ایران مردم دستگاه قضائی را با سیستم "جزائی" اشتباه میکنند. در سیستم قضائی کشوری مانند جمهوری اسلامی مردم در دست سیستم قضا به "جزا" میرسند. منظور ایشان این بود که بجای اینکه دستگاه دادگستری به « داد » مردم برسد و آنان را از گناهی که نکرده اند و بجرم واهی بازداشت و یا متهم شده اند « تیرنه » نماید آنان را به « جزا » میبرساند. سیستم دادگستری نیابست خود به عنوان یک دستگاه بگیر و ببند و ابزار دخالت در اموری غیر امور داد و دادگستری تبدیل شود. حق را بجانب ایشان دادم در ایران امروز و در زیر سایه اسلام « مردم همه گناهکارند » تا « بیگناهی » آنان ثابت شود در حالیکه در قانون بشری « همه بیگناهند » تا زمانیکه گناه آنان ثابت شود. مفهوم دیگر این بحث این است که قانون بطریقی بایست نوشته شود که صد در صد حامی بی گناهان باشد و به هر شخص حق دفاع و تیرنه را بدهد. وقتی مانند سیستم قضائی جمهوری اسلامی قضا و یا حاکم در امور دیگری مانند ارتش، تعلیم و تربیت، انرژی اتمی و نفت دخالت کند لذا دیگر ارگان های کشوری نیز حق دخالت در امور دادگستری را پیدا خواهند کرد. دادگستری محل ستودن و گرفت حق است. حقی که مردم با آن متولد شده اند و در اثر بی مبالائی و حرکت ناشایست دیگران و یا خودش آنرا موقتاً از دست داده.

همانطور که در نوشتار قبلی خواندید؛

متن پیوست برای راهنمایی و تبادل نظر بین دست اندرکاران تهیه قانون اساسی تهیه شده ولی چون قبل از هر گونه تصمیم گیری نظر ملت ایران برای ساختار آینده کشور مهم میباشد لذا برای مطالعه، نظر گیری و پذیرش پیشنهادات شما خواننده گرامی برای آگاهی همگان ارسال میگردد.

نظرات و پیشنهادات خود را با اشاره به قوانینی که موجود هستند و یا پیشنهادی نظام نامه های ملی که تهیه شده برای اینجانب بفرستید. سپاس از یاری شما درین مسیر که نهایتاً نهال آینده آزادی و آبادانی میهن ما را آبیاری خواهد نمود.

مرور دیگری میکنیم به آنچه پیشتر خواندیم و آنچه تازه است. البته در نظر خواهند داشت که اگر شرح بیشتری داده شده به منظور درک بیشتر مطالب برای آتانی که تخصص کمتری دارند و مسلماً متخصصین هنگام تنظیم پیشنهادی قانون اساسی کوتاهی و کامل بودن هر مورد را هم مورد توجه قرار خواهند داد:

- ۱- قانون اساسی باید بر اساس یک عده اصول پذیرفته شده بنا شده باشد که مفهوم کلی و جزئی آنها نتیجه منطقی آن اصول بوده باشد.
- ۲- نظام نامه هر کشور بایستی بر اساس اصول حقوق بشر استوار باشد. (به توضیح شماره یک در پیشگفتار توجه فرمائید)
- ۳- نظام نامه هر کشوری لزوماً بایستی تقلید نظام نامه کشور های دیگر باشد. بلکه بایستی با اوضاع سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی، ترکیب جوامع و گروه ها و قبیله ها و اخلاقیات جامعه مطابقت کامل داشته باشد.
- ۴- نظام نامه ملی هرکشوری بایستی با میزان تمدن و گذشته تاریخی آن ملت همگونی داشته باشد.
- ۵- قانون اساسی شامل کلیات اساسی میشود و لزوماً بایستی به نحوه انتخاب شدن و یا استخدام وزارتخانه ها و وزراء که در حیطه قوانین عادی هستند وارد شده باشد.
- ۶- قانون اساسی ممکن است از متن های متعددی تشکیل شده باشد؛ مثل قانون اساسی فرانسه که عبارت از سه قانون راجع به تشکیل مجلس سنا، سازمان قوای عالیه کشور، و روابط قوای عالیه کشور میباشد. در ایران هم قانون اساسی که به قانون ۱۹۰۶ معروف است (قبل از هجوم ملایان) شامل دو قانون مجزا بوده است که یکی قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۴ و قانون اساسی ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ که بعد ها از ترکیب این دو قانون با تغییراتی در ۱۳۰۴ و ۱۲۳۸ خورشیدی تشکیلات سیاسی ایران بوجود آمد. ایرادی که به قانون ۱۹۰۶ گرفته میشود همانا ماده اول آن است که اجازه نفوذ مذهبیون و بیضه داران دین را در هر موردی به قانون و قانونگذار را میدهد و آنرا به نوعی اداره "ولایت فقیه" مشابه میسازد.
- ۷- قانون اساسی بایستی طوری نوشته شده باشد که سهم آیندگان را برای صد ها سال آینده در نظر گرفته باشد.
- ۸- طوری بایستی تنظیم شده باشد که برای همه قابل فهم باشد و نیاز چندانی به تغییر در آینده نداشته باشد. ولی راه را برای پویایی و تحول آینده باز گذاشته باشد.
- ۹- مفاد قانون طوری انتخاب شوند که قابل اجرا باشند و همه آنها در هر زمان اجرا گردند و مفادی که جزئیات را نا مفهوم گذاشته و آنرا منوط به نوشتن قانون دیگری و یا فتوا و از این قبیل میکند غیر قابل قبول است.
- ۱۰- مقررات قانون اساسی بایستی روشن و واضح باشد تا نیازی به تفسیر و تعبیر آنها نبوده باشد. قانونی که نیاز به تفسیر داشته باشد موجب اختلاف بین مقامات عالیه و رکن های اصلی یک مردم سالاری و احزاب را فراهم میکند و موجب هرج و مرج و بی فایده بودن قانون را تشویق میکند.
- ۱۱- فصل بندی ها و مطالب بایستی معقول و منظم باشند، شامل فهرست مطالب بوده و تمام موارد مشابه در زیر یک سر فصل جمع آوری شده باشند واز پراکندگی پرهیز شده باشد.
- ۱۲- در قانون اساسی و نظام نامه ملی هر کشوری سهم تمام گروه ها و قبایل بایستی یکسان و بدون تبعیض رعایت شده باشد.
- ۱۳- نظام نامه ملی هر کشوری میبایست اکیدا جدائی مذهب از حکومت و هر نوع دخالت مذهبیون از هرگونه را بصورت روشن و واضح قید نموده باشد.
- ۱۴- نظام نامه ملی نبایستی اشاره ای به مذهب رسمی در کشور داشته باشد. در نظام نامه ملی بایستی اشاره شده باشد که دولت ها نمی توانند در هر زمان قانونی مبنی بر انتخاب اصلح مذهبی وضع کنند واز همین رو نمیتوانند آزادی انتخاب مذهب و یا هر دینی را ممنوع نمایند. زیرا هر نوع اشاره و تبعیض بین مذاهب موجبات نا برابری و توهین را بوجود میآورد. بهتر است ادیان و مذاهب در حیطه مذهبی خود خارج از سیاست احترام خود را محفوظ و بی خدشه به کار خود بپردازند.
- ۱۵- قانون اساسی هر کشوری بایستی بدون در نظر گرفتن نوع مذهب، یا نوع افکار سیاسی، قدرت اقتصادی افراد و یا خانوار ها، رعایت برابری و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را بطور یکسان برای همه منظور داشته باشد.
- ۱۶- در قانون اساسی میبایست ذکر شود که آزادی ها از جمله آزادی سخن گفتن که اساس و پایه تمام آزادی های دیگر میباشد با انسان ها زاده شده و کسی نمیتواند چه به حکم قانون چه بدون قانون به این حریم تجاوز نماید.
- ۱۷- نظام نامه ملی هر کشور بایستی به روشنی عنوان نماید که حق زیستن و انتخاب با انسان است و کسی این حقوق را نمیتواند از او سلب نماید و قانونی که ملغی کننده این حقوق باشد خارج از نظام نامه ملی است و مورد پذیرش نمیباشد.
- ۱۸- نظام نامه ملی بایستی صریحا عنوان نماید که آدمی پدیده ای است اجتماعی و از مجموعه افرادی تشکیل میشود که بطور مداوم مستقل، مجرد و تنها مسئول اعمال خویش هستند ولی در حال کنش و واکنش با اجتماع مجبور به بهزیستی اجتماعی و همکاری های بین افراد میباشند. پدیده استقلال و مجرد بودن افراد به آنان اجازه نمیدهد تا نظام شخصی خود را استوار سازند و بایستی خود را با نظام و روش پذیرفته شده جامعه تطبیق داده و ملزم به اجرای قوانین میباشند.

- ۱۹- در نظام نامه ملی کشور بایستی قید شده باشد که تعلیم و آموزش افراد در راس تمام امور کشور قرار میگیرد و در هر کجا که فکری هست بایستی کتابی و آموزشی هم باشد. اولین آموزش از یاد گیری قانون اساسی شروع میشود و آشنا سازی مردم به حقوقشان در راس آموزش ها قرار خواهد گرفت.
- ۲۰- در نظام ملی کشور بایستی قید شده باشد که برای اختراعات، اکتشافات، و پیشنهادات علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی آزادی کامل وجود دارد و در بعضی موارد دولت بودجه تشویقی برای این امور در نظر گرفته و بصورت عادلانه در اختیار تمام طبقات قرار گیرد.
- ۲۱- نظام ملی کشور اجازه نمیدهد تا قوانین و مقررات اجتماعی زیرین و پائین تر از قانون اساسی برخلاف مندرجات نظام ملی تنظیم شود و هر قانون زیرین نمیتواند متباین و مخالف استواری و تداوم پایه های حقوق مردم باشند.
- ۲۲- نظام ملی صریحا قید میکند که تمام افرادی که در خدمت ملت هستند از بالا ترین مقام تا پائین ترین عضو **خدمتگزار «ملت»** است و برگزیده و استخدام شده از جانب «ملت» میباشد و حقوق آنها از جانب ملت پرداخت میشود و ملت مجاز است طبق قانون نسبت به برکناری و ماموریت آنها تصمیم بگیرد.
- ۲۳- نظام ملی هر کشوری اشاره مستقیم دارد به آزادی که شامل عدم تعرض، تصرف، محدودیت در خواندن، نوشتن، در مغز وجود داشتن و تکاپوی حرفه، مال و نحوه زندگی میشود.
- ۲۴- اندیشه و بیان آزاد است و هیچ قانونی چه در قالب نظام ملی و یا در سطح قوانین عادی به هیچوجه مجاز نیست تا آنرا محدود، ممنوع و یا مقطوع کند.
- ۲۵- نظام ملی به افراد حق دفاع از خود و خانه و خانواده را میدهد و به آنان اجازه میدهد تا قبل از رسیدن کمک های مراجع قانونی از حق غیر قابل تعرض و انقطاع شهروندی خود و خانواده اش دفاع نمایند؛ بشرطی که این عمل موجبات شورش و آشفتگی اجتماعی را فراهم ننماید.
- ۲۶- نظامی ملی هر کشوری اشاره دارد به اینکه تبانی و همکاری با ایادی غیر ایرانی و یا افرادی که در خدمت بیگانگان هستند جرم بزرگ و غیر قابل اغماض و گذشت است و تبهکار در هر مقام، پایه، شخصیت و یا شغلی که باشد به محاکمه کشیده خواهد شد.
- ۲۷- نظام ملی هر کشوری به نوع پرچم اشاره دارد که در مورد ایران پرچم سه رنگ با شیر و خورشید و بدون شمشیر و یا جایگزین شده با مشعل که نمادی از صلح، دوستی، دانش، انرژی، هم پیمانی میباشد خواهد بود. (به این تارنما توجه فرمائید: www.sanibrite.ca/iran/flaghistory.asp)
- ۲۸- نظام ملی کشور به سرود ملی اشاره خواهد داشت. سرودی که احساسات میهن پرستانه را بدون چاشنی های شخص پرستی و فقط نشات گرفته از صراحت های فرهنگی، قومی و برانگیختن حس میهن پرستی و عامل هم پیمانی را در افراد جامعه تشویق میکند توصیه میکند. (بهترین سروده اثر استاد گل گلاب است که به نام "سرود ای ایران" شناخته شده)
- ۲۹- در نظام نامه ملی کشور به زبان رسمی کشور اشاره میشود که در مورد ایران زبان پارسی دری است؛ تدریس و تعلیم زبان های محلی آزاد بوده و تشویق موثری به یاد گیری حد اقل یک زبان بین المللی خواهد داشت.
- ۳۰- نظام نامه ملی بایستی قبل از تصویب و اجرا در اختیار عموم افراد ملت گذاشته شود و در کلیه مفاد و مندرجات آن با تشریح مساعی متخصصین شور و مشورت شود و پیشنهادات مردم عادی مورد توجه قرار گرفته و اصول آن مطابق نظر اکثریت تنظیم گردد.
- ۳۱- نظام نامه ملی هر کشوری بایستی اشاره دقیق و مستقیم داشته باشد به مالکیت. حق مردم است که افراد فامیل، کاغذها، اسناد و لوازم خویش را در مقابل تفتیش و تصاحب غیر معقول و بدون مجوز حراست نمایند. هیچکس حتی ماموران دولتی سربازان و نیرو های انتظامی در هیچ زمانی، در هر موقعیت نمیتوانند به اموال شخصی افراد در هر مقام و با هر دین و مذهبی، در هر وضعیتی تجاوز کنند و یا اموال شخصی آنان را که تا حد زندگی معمولی مورد نیاز است را از شهروندان سلب نمایند. مگر بر اساس رای دادگاه و آنهم در صورتیکه اموال از راه دزدی اموال عمومی تامین شده باشد باز هم لوازم اولیه زندگی شخصی را نمیتوان از فردی سلب نمود. چنانچه قانون و دادگاه مقرر نماید که به اموال عمومی دستبرد زده در اینصورت باز هم نمیتوان اموال شخصی او را به مصرف عمومی رساند مگر بهای آن به او پرداخت شده باشد.
- ۳۲-
- ۳۳- نظام نامه ملی نمیتواند تشکیل احزاب و آزادی انتشار طومار و یا نوشتار روی کاغذ یا روی تارنما را ممنوع نماید.
- ۳۴- یک ارتش ملی، منظم و تعلیم دیده و مجهز برای امنیت مرز های کشور و بین ایالت ها ضروری است و مردم حق حمل اسلحه را ندارند مگر در زمان جنگ و یا حکم قانون.
- ۳۵- هیچ نظامی و یا مامور دولتی نمیتواند به حریم خانه اشخاص داخل شود، مگر اینکه صاحب خانه اجازه ورود به او داده باشد. صاحبان خانه ها مجاز هستند از ورود افراد به حریم خانه جلوگیری نمایند، مگر در زمان جنگ و یا رای دادگاه.
- ۳۶- هیچ کس را بر خلاف میل باطنی اش نمیتوان در بازداشت نگاه داشت مگر به جرم جنایت و آدمکشی و آنهم بر اساس رای دادگاهی که در آن هیئت ژوری (منصفه) حضور داشته باشد؛ غیر از موارد نظامی

چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ و یا خطر عمومی؛ و همچنین کسی را برای یک جرم نمیتوان به دو مکافات که زندگی او را مختل مینماید محکوم نمود. همچنین کسی را که مرتکب جرم شده نمیتوان بعنوان شاهد برای خودش و یا بر علیه خودش تعیین و قبول نمود و یا او را از زندگی و اموالش محروم کرد.

۳۷- در هر مورد جرم میبایست در اسرع وقت به داد شخص یا اشخاص رسیدگی شود و در ایالتی به جرم او رسیدگی شود که جرم اتفاق افتاده. در هر مورد بایستی مورد دادگاه و جرم به شخص توضیح داده شده باشد و در هر مورد شاهد یا شاهدانی برای اثبات جرم وجود داشته باشند، لذا کسی را نمیتوان بدون شاهد محاکمه نمود و یا از داشتن وکیل و در اختیار گذاشتن آگاهی های حقوقی محروم نمود.

۳۸- در هر مورد نمیتوان درخواست وثیقه بی حساب نمود و یا جریمه ای تعیین نمود که از اختیار مجرم بر نمی آید و یا در هر صورت تنبیهی مقرر نمود که از قاعده و قانون خارج باشد.

انتخاب ساختار حکومتی از آن مردم ایران است. لذا برای انتخاب اصلح و بهتر نوع حکومت موظف هستیم دو نوع قانون اساسی یکی بر اساس حکومت پادشاهی پارلمانی لائیک و دیگری جمهوری پارلمانی و لائیک که در هر مورد پارلمان یعنی نماینده مستقیم مردم، حافظ و نمایانگر مردمسالاری (دموکراسی) بر اساس سکولاریسم نماد ساختار حکومت میباشد. واقعیت این است که حکومت از آن مردم است و اگر مفهوم این جمله را به دقت درک کنیم در هر مورد ساختار حکومت و نوع ارانه تشریفاتی آن نمی بایست مانعی بر سر راه ما قرار داده باشد. در صورتیکه پارلمان به مفهوم واقعی آن به قدرت مردم استوار و به وظائف خود عمل میکند چگونگی ساختار حکومت با طرز کار و نوع رژیم ربطی ندارد. زیرا وظیفه پارلمان اعمال و پیشبرد نظرات مردم میباشد. وقتی ملت در راس قرار گیرد و همیشه در اجراء دقیق قانون نظارت داشته و مانع هرگونه خلافکاری باشد در آن صورت نوع تشریفاتی حکومت بین پادشاهی و جمهوری نمیتواند تاثیر چندانی در روند روزانه «مردمسالاری» داشته باشد. توجه خوانندگان گرامی را به مقایسه مردمسالاری های پادشاهی و جمهوری در دنیای امروز جلب مینماید. مذاقه و تجسس در تعداد مردمسالاری های ذکر شده میتواند الگوی درستی از انتخاب آینده بما بدهد.

تهیه شده در تاریخ ۱۱ سپتامبر ؛ تجدید نظر شده در سپتامبر ۱۶، ۲۰۰۳ توسط

ح-ک
KRK/EJD



Join me in this silent voice of unity...Iran deserves better.

When Truth is not free, Freedom is not true, Freedom of Speech,
Freedom of pen, most important of all Freedom of thought

یقینی حقیقت آزاد نیست، آزادی حقیقت نسد اورد
و آزادی سخن و قلم و آزادی اندیشه از همه مهم تر